



Editor-in-Chief Lecture

Received: 15 March 2025

Accepted: 21 March 2025

Interdisciplinary Research in Management

Bahman Hajipour¹ 

ABSTRACT

Interdisciplinary research in management holds significant potential for generating innovative insights and advancing management theory by integrating knowledge and methods from various disciplines. This article explores the challenges and opportunities of interdisciplinary research, emphasizing its role in addressing complex societal issues. Interdisciplinary research contributes to the development of new theories and the resolution of multifaceted problems through theoretical innovation, methodological advancements, and problem-oriented research. However, challenges such as the lack of clear motivation for utilizing theories from other disciplines, the absence of a common interdisciplinary language, insufficient theorizing, and practical constraints such as time and resource limitations pose obstacles to this type of research. To overcome these challenges, recommendations include clearly articulating research motivation, bridging linguistic gaps through precise conceptual explanations, demonstrating theoretical depth via synthesis and synergy, and maintaining theoretical fidelity by accurately utilizing resources from other disciplines. The article underscores the role of interdisciplinary research in enriching management theory and highlights the need for a supportive academic environment that is aware of interdisciplinary methods and theories to achieve transformative contributions in management.

Keywords: Interdisciplinary Research, Theoretical Innovation, Problem-Oriented Research, Interdisciplinary Challenges

How to Cite: Hajipour, B. (2025). *Interdisciplinary Research in Management*. *Journal of Business Management Perspective*, 24(61), 1-21. (In Persian). <https://doi.org/10.48308/jbmp.2025.240336.1678>

1. Department of Business Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Corresponding Author .Email: b-hajipour@sbu.ac.ir





نشریه چشم‌انداز مدیریت بازرگانی

شاپا الکترونیکی: ۴۱۴۹-۲۶۴۵، شاپا چاپی: ۶۰۵۰-۲۲۵۱

<https://jbmp.sbu.ac.ir/?lang=fa>



تاریخ دریافت: ۲۵ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱ فرودین ۱۴۰۴

نوع مقاله: سخن سردبیر

پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در مدیریت

بهمن حاجی‌پور^۱

چکیده:

پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در مدیریت پتانسیل بالایی برای ایجاد بینش‌های نوآورانه و پیشبرد نظریه‌های مدیریتی از طریق ادغام دانش و روش‌ها از رشته‌های مختلف دارد. این مقاله، چالش‌ها و فرصت‌های پژوهش بین‌رشته‌ای را بررسی می‌کند و بر نقش آن در پاسخ به مسائل پیچیده اجتماعی تأکید دارد. پژوهش بین‌رشته‌ای از طریق نوآوری نظری، پیشرفت‌های روش‌شناختی و پژوهش مسئله‌محور، به خلق نظریه‌های جدید و حل مسائل چندوجهی کمک می‌کنند. با این حال، چالش‌هایی نظیر فقدان انگیزه روشن برای استفاده از نظریه‌های سایر رشته‌ها، نبود زبان مشترک بین‌رشته‌ای، نظریه‌پردازی ناکافی و ملاحظات عملی مانند محدودیت زمان و فضا، موانعی برای این نوع پژوهش ایجاد می‌کنند. برای غلبه بر این چالش‌ها، توصیه‌هایی شامل بیان شفاف انگیزه پژوهش، پر کردن شکاف زبانی با توضیح دقیق مفاهیم، نمایش عمق نظریه‌پردازی از طریق ترکیب و هم‌افزایی، حفظ وفاداری نظری با استفاده دقیق از منابع رشته‌های دیگر ارائه شده است. این مقاله با تأکید بر نقش پژوهش بین‌رشته‌ای در غنی‌سازی نظریه مدیریت، بر نیاز به محیط علمی حامی و آگاه به روش‌ها و نظریه‌های بین رشته‌ای برای تحقق مشارکت‌های تحول‌آفرین در مدیریت تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: پژوهش بین‌رشته‌ای، نوآوری نظری، پژوهش مسئله‌محور، چالش‌های بین‌رشته‌ای

استناددهی: حاجی‌پور، بهمن. (۱۴۰۴). پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در مدیریت. چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، ۲۴(۶۱)، ۲۱-۱.

<https://doi.org/10.48308/jbmp.2025.240336.1678>

۱. گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

نویسنده مسئول ایمیل: b-hajipour@sbu.ac.ir



مقدمه

پژوهش بین‌رشته‌ای مفاهیم، نظریه‌ها و روش‌هایی از رشته‌های مختلف مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم داده و فناوری را ترکیب می‌کند تا به چالش‌های پیچیده پاسخ دهد. هدف آن ایجاد راه‌حل‌های جامع از طریق تلفیق دیدگاه‌های متنوع، تقویت نوآوری و مقابله با مسائل دنیای واقعی است که رویکردهای تک‌رشته‌ای ممکن است به‌طور کامل حل نکنند. پژوهش بین‌رشته‌ای در مدیریت، پتانسیل ایجاد بینش‌های نوآورانه و تقویت پژوهش‌های مسئله‌محور و تأثیرگذار را دارد. با توجه به اینکه مطالعات مدیریت به‌طور فزاینده‌ای با چالش‌های اجتماعی تحول‌آفرین مانند پایداری، هوش مصنوعی و تحول دیجیتال درگیر می‌شود، پژوهش بین‌رشته‌ای می‌تواند منبعی برای نوآوری نظری و روش‌شناختی باشد و رویکردی امیدوارکننده برای پرداختن به این مسائل پیچیده و فوری زمان ما ارائه دهد (Shaw, Bansal & Gruber, 2017; Shaw, Tangirala, Vissa & Rodell, 2018). با این حال، پژوهش بین‌رشته‌ای چالش‌های خاص خود را نیز به همراه دارد. پژوهش بین‌رشته‌ای باید فراتر از صرف کاربرد دانش یا نظریه‌های سایر رشته‌ها باشد و خود به پیشبرد نظریه کمک کند. به همین ترتیب، باید ارزش‌افزوده‌ای آشکار برای حوزه مدیریت ایجاد کند و مجموعه‌های دانشی جداگانه را با هم ترکیب نماید. نظریه‌های توسعه‌یافته از پژوهش بین‌رشته‌ای باید قدرت توضیح‌دهندگی بیشتری نسبت به نظریه‌های تک رشته‌ای داشته باشند، عوامل ناشناخته را روشن کنند یا به ما کمک کنند تا پدیده‌ای را به شکلی نوآورانه ببینیم. این امر از طریق دارا بودن آگاهی عمیق از رشته میزبان در کنار عمق نظری و تخصص و شایستگی تک‌رشته‌ای قابل تحقق است (Sieldok & Hibbert, 2014). هدف این مقاله، تشویق پژوهشگران مدیریت به در نظر گرفتن پژوهش بین‌رشته‌ای در سبد پژوهشی خود و کمک به آن‌ها برای شناسایی و غلبه بر برخی از چالش‌های ذاتی مرتبط با آن است.

ظهور پژوهش مشارکتی

افزایش روند پژوهش‌های مشارکتی، به‌ویژه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، در نیمه دوم قرن بیستم به‌وضوح قابل‌مشاهده است (Baldwin & Austin, 1995; Katsouyanni, 2008; Sanderson, 1996). چندین فرضیه درباره انگیزه‌های این نوع پژوهش‌ها مطرح شده است. یکی از این فرضیه‌ها، که توسط پژوهشگرانی مانند ماکارووا و همکاران (۲۰۱۹) و روزنبلات و مویوس (۲۰۰۴) ارائه شده، استدلال می‌کند که جهانی‌سازی_با تسهیل حمل‌ونقل، ارتباطات، و اتصال‌پذیری_به ایجاد یک «دهکده جهانی» کمک کرده که همکاری‌های پژوهشی را آسان‌تر کرده است. اگر چه جهانی‌سازی نقش مهمی در تسهیل پژوهش‌های مشارکتی ایفا می‌کند، اما عامل اصلی این فرآیند نیست. برای مثال، در دنیای به‌هم‌پیوسته امروز، بعید است که رشته‌هایی با تفاوت‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی قابل‌توجه، بدون شناسایی یک «فرامسئله» مشترک که فراتر از مرزهای رشته‌ای آن‌هاست، در یک پروژه پژوهشی همکاری کنند. این موضوع در بررسی الگوهای استنادی مجلات که برای ترسیم «نقشه‌های علم» استفاده شده‌اند (Hassan-Montero et al., 2014; Rosvall & Bergstrom, 2008) مشهود است، که جدایی بین رشته‌ها را بر اساس استنادهای متقابل نشان می‌دهد. در واقع انگیزه اصلی پژوهش مشارکتی در فرارفتن از محدوده‌های رشته‌ای نهفته است، که خود نشان‌دهنده ناتوانی یک رشته خاص در بررسی جامع آن مسئله است. فرامسئله‌ای که از مرزهای رشته‌ای فراتر می‌رود، دو جنبه کلیدی دارد:

۱. **ماهیت فرامسئله:** مقیاس و پیچیدگی فزاینده مسائل مورد بررسی (Bennett & Gadlin, 2012; Sonnenwald, 2007) مسائلی مانند تغییرات اقلیمی، فروپاشی اکولوژیکی، یا گذار انرژی چنان گسترده و پیچیده‌اند که از محدوده هر رشته‌ای فراتر می‌روند و همکاری بین‌رشته‌ای را ضروری می‌کنند.

۲. **ناکامل بودن معرفت‌شناختی رشته‌ها:** این مفهوم به ناکافی بودن دانش و درک یک رشته از موضوع خود اشاره دارد. این ناکاملی، که توسعه یک رشته را ممکن می‌سازد، به افزایش تخصص‌گرایی منجر شده و دامنه رشته‌ای را محدود کرده است. برای مثال، جولی تی. کلین (۱۹۹۰) به پارادوکس نیاز به یکپارچگی و تخصص‌گرایی اشاره کرد که باید متعادل شود. همچنین، هانتر و لیهی (۲۰۱۷) بیان کردند که افزایش تخصص‌گرایی شاید مهم‌ترین دلیل رشد همکاری‌های علمی باشد.

ظرفیت و توانایی پژوهش بین‌رشته‌ای

پژوهش مدیریت از طریق بکارگیری پژوهش بین‌رشته‌ای پیشرفت‌های قابل توجهی داشته و به سمت تکثرگرایی و گسترش در جغرافیای فراتر از محدوده امریکا، طرح پرسش‌های جدید و اتخاذ روش‌های متنوع حرکت کرده است (Van Baalen & Karsten, 2012). حوزه دانش مدیریت با استفاده هوشمندانه از پژوهش بین‌رشته‌ای تلاش کرده خود را در خط مقدم تحولات اجتماعی قرار داده و با توسعه نظریه‌های مدیریتی تأثیرگذار توانسته به چالش‌های بزرگ و مسائل پیچیده اجتماعی پاسخ دهد. با این حال، هنوز پتانسیل زیادی برای پژوهش بین‌رشته‌ای وجود دارد و این امکان وجود دارد تا نظریه‌های نوآورانه‌تر و خلاقانه‌تری برای تحولات عصر حاضر را توسعه دهد.

نوآوری نظری پژوهش بین‌رشته‌ای چیست؟

نوآوری نظری در پژوهش بین‌رشته‌ای به فرآیند ایجاد، توسعه یا بازآفرینی نظریه‌های جدید در حوزه مدیریت از طریق ادغام و ترکیب دانش، مفاهیم و دیدگاه‌های رشته‌های مختلف اشاره دارد. این نوع نوآوری زمانی رخ می‌دهد که پژوهشگران با استفاده از چارچوب‌ها، مدل‌ها، یا روش‌های سایر رشته‌ها (مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، یا حتی علوم طبیعی) به بازتعریف مسائل مدیریتی، ارائه توضیحات جدید، یا توسعه راه‌حل‌های خلاقانه برای مشکلات پیچیده می‌پردازند. نوآوری نظری در پژوهش بین‌رشته‌ای از چند جنبه قابل توجه است:

بعنوان منبعی برای نظریه‌های نوین

پژوهش بین‌رشته‌ای به‌عنوان منبعی کلیدی برای خلق نظریه‌های نوین در حوزه مدیریت عمل می‌کند و فرآیند نظریه‌سازی را به پیش می‌برد. نوآوری‌های بدیع اغلب از تلفیق دانش‌های متنوع و گاه دور از هم به دست می‌آیند که دیدگاه‌ها و ورودی‌های متفاوتی را به هم پیوند می‌دهند (Gruber, Harhoff, & Hoisl, 2013; Hargadon, 1998). رشته مدیریت سابقه‌ای غنی در بهره‌گیری از چارچوب‌ها و ایده‌های تحول‌آفرین از سایر رشته‌ها دارد. برای مثال، مفاهیم زیست‌شناسی در توسعه نظریه‌های زیست‌بوم جمعیت‌های سازمانی، اصول زمین‌شناسی برای درک پویایی‌های گروهی و نظریه پیچیدگی از فیزیک برای تبیین رفتارها و سیستم‌های سازمانی به کار گرفته شده‌اند.

در پژوهش‌های معاصر، رشته‌هایی مانند مهندسی، قوم‌نگاری، حقوق، و علوم اعصاب ابزارها، روش‌ها و دیدگاه‌های نظری جدیدی ارائه می‌دهند که می‌توانند نظریه‌های مدیریتی را ارتقا بخشند. به‌عنوان مثال، مهندسی با رویکردهای دقیق خود در طراحی و بهینه‌سازی سیستم‌ها می‌تواند مدل‌های تصمیم‌گیری استراتژیک را بهبود دهد. قوم‌نگاری با ارائه بینش‌های عمیق کیفی در مورد پویایی‌های فرهنگی و اجتماعی در سازمان‌ها، نظریه‌های دقیق‌تری در زمینه رهبری و همکاری ایجاد می‌کند. چارچوب‌های حقوقی می‌توانند مدل‌های حاکمیت و تصمیم‌گیری اخلاقی را تقویت کنند، در حالی که علوم اعصاب بینش‌های نوآورانه‌ای در مورد جنبه‌های شناختی و رفتاری مدیریت، مانند تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان یا انگیزه کارکنان، ارائه می‌دهد.

فوائد عبور از مرزهای رشته‌ای بسیار عمیق است. همان‌طور که سفر ذهن را باز می‌کند، کاوش بین‌رشته‌ای افق‌های فکری پژوهش مدیریت را گسترش می‌دهد. پژوهشگرانی که از چارچوب‌های خارج از ادبیات سنتی مدیریت استفاده می‌کنند، اغلب در درک پدیده‌های پیچیده سازمانی برتری می‌یابند. آن‌ها در مقایسه با پژوهشگرانی که صرفاً بر ادبیات مدیریت متمرکز هستند، توانایی بیشتری در ارائه بینش‌های عمیق‌تر و نظریه‌های نوآورانه دارند. این تبادل ایده‌ها خلاقیت را تقویت کرده و امکان رسیدگی به مسائل چندوجهی را با دقت و عمق بیشتری فراهم می‌کند. علاوه بر این، پژوهش بین‌رشته‌ای به ایجاد زبان مشترک و هم‌افزایی مفهومی بین رشته‌ها کمک می‌کند که می‌تواند به خلق چارچوب‌های نظری منسجم و قوی منجر شود. برای نمونه، ترکیب بینش‌های علوم داده با نظریه‌های مدیریت می‌تواند مدل‌های پیش‌بینی‌کننده برای عملکرد سازمانی ایجاد کند، در حالی که روش‌های انسان‌شناختی می‌توانند مطالعات فرهنگ سازمانی را غنی‌تر سازند. با گذر از محدودیت‌های رشته‌ای، پژوهش بین‌رشته‌ای نه تنها دامنه نظری را گسترش می‌دهد، بلکه ارتباط عملی پژوهش‌های مدیریتی را نیز تقویت می‌کند و درک غنی‌تر و دقیق‌تری از پدیده‌ها و چالش‌های پیچیده ارائه می‌دهد.

پژوهش بین‌رشته‌ای به‌عنوان کاتالیزوری برای نوآوری نظری در مدیریت عمل می‌کند. این نوع پژوهش با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و روش‌های متنوع، مرزهای نظریه‌سازی سنتی را جابه‌جا می‌کند و به درک عمیق‌تر و جامع‌تری از پدیده‌های سازمانی و مدیریتی منجر می‌شود. برای تحقق کامل این پتانسیل، پژوهشگران مدیریت باید همکاری بین‌رشته‌ای را در آغوش گیرند، نسبت به ایده‌های نوین گشاده‌رو باشند، و دقت روش‌شناختی لازم برای ادغام جریان‌های دانشی متنوع را توسعه دهند.

محورهای پیشرفت‌های روش‌شناختی

پژوهش بین‌رشته‌ای از طریق پیشرفت‌های روش‌شناختی، ظرفیت بالایی برای تحول در مطالعه مسائل مدیریتی فراهم می‌کند. روش‌های نوین از حوزه‌های مختلف، مانند یادگیری ماشینی (von Krogh, Roberson & Gruber, 2023)، مدل‌سازی محاسباتی، مدل‌سازی معادلات ساختاری، و تحلیل تطبیقی کیفی (Bliese, Certo, Smith, Wang & Gruber, 2024)، ابزارهای قدرتمندی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند تا مسائل جدید مدیریتی را کاوش کنند یا مسائل موجود را از زوایای تازه‌ای بررسی کنند.

۱. یادگیری ماشینی: استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشینی امکان تحلیل حجم عظیمی از داده‌های سازمانی را با دقت و سرعت بالا فراهم می‌کند. این روش می‌تواند الگوهای پنهان در رفتارهای سازمانی، پیش‌بینی عملکرد، یا شناسایی عوامل کلیدی موفقیت را آشکار کند، که با روش‌های سنتی ممکن نبود.
۲. مدل‌سازی محاسباتی: این روش به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا سیستم‌های پیچیده سازمانی را شبیه‌سازی کنند و پویایی‌های مدیریتی را در سناریوهای مختلف بررسی کنند. برای مثال، مدل‌سازی محاسباتی می‌تواند به درک بهتر تعاملات بین متغیرهای سازمانی یا پیش‌بینی نتایج تصمیم‌گیری‌های استراتژیک کمک کند.
۳. مدل‌سازی معادلات ساختاری: این روش امکان تحلیل روابط پیچیده بین متغیرها را فراهم می‌کند و به‌ویژه در بررسی سازه‌های نظری مانند فرهنگ سازمانی، رضایت کارکنان، یا اثربخشی رهبری مفید است. این رویکرد به پژوهشگران کمک می‌کند تا روابط علی و همبستگی‌های پنهان را با دقت بیشتری شناسایی کنند.
۴. تحلیل تطبیقی کیفی (QCA): این روش با ترکیب تحلیل‌های کیفی و کمی، امکان بررسی پیکربندی‌های مختلف عوامل مؤثر بر پدیده‌های مدیریتی را فراهم می‌کند. تحلیل تطبیقی کیفی به‌ویژه برای مطالعه مسائل چندوجهی که نیازمند درک عمیق و در عین حال ساختارمند هستند، مناسب است.

این پیشرفت‌های روش‌شناختی نه تنها ابزارهای جدیدی برای پژوهش ارائه می‌دهند، بلکه دیدگاه‌های تازه‌ای برای بازتعریف مسائل مدیریتی ایجاد می‌کنند. برای مثال، استفاده از یادگیری ماشینی می‌تواند به شناسایی روندهای نوظهور در رفتار مصرف‌کننده کمک کند، در حالی که مدل‌سازی محاسباتی می‌تواند اثرات تغییرات ساختاری در سازمان را پیش‌بینی کند. این روش‌ها به پژوهشگران امکان می‌دهند تا فراتر از محدودیت‌های روش‌های سنتی حرکت کنند و با دقت و عمق بیشتری به حل مسائل پیچیده بپردازند.

با این حال، بهره‌گیری از این روش‌ها نیازمند تسلط بر ابزارهای بین‌رشته‌ای و ایجاد زبان مشترک بین پژوهشگران از رشته‌های مختلف است. همچنین، لازم است پژوهشگران مدیریت با چالش‌های عملی مانند دسترسی به داده‌های باکیفیت، محدودیت‌های محاسباتی، و پیچیدگی‌های تفسیر نتایج این روش‌ها مقابله کنند. در نهایت، پیشرفت‌های روش‌شناختی بین‌رشته‌ای با ارائه ابزارهای نوآورانه و دیدگاه‌های جدید، به غنی‌سازی پژوهش‌های مدیریتی و ارائه راه‌حل‌های خلاقانه برای چالش‌های سازمانی کمک می‌کند.

پژوهش مسئله‌محور

پژوهش‌های مسئله‌محور که با هدف حل مسائل اجتماعی فوری و پیچیده انجام می‌شوند، به‌طور ذاتی به رویکردهای بین‌رشته‌ای وابسته‌اند، زیرا این مسائل نیازمند تبیین‌های نظری نوین و چندوجهی هستند (Ravasi, 2018; Shaw et al., 2018; Zhu, Wan, Dorobantu & Gruber, 2024). برای نمونه، فهم فرآیند گذار یک سازمان به سمت تولید پاک (دستیابی به کربن صفر) بدون در نظر گرفتن هم‌زمان پیچیدگی‌های مرتبط با طبیعت، جامعه، و کسب‌وکار ممکن نیست. این موضوع نیازمند دانش عمیق در زمینه‌هایی مانند سیاست‌های اقلیمی، علم تغییرات اقلیمی، و همچنین مدیریت استراتژیک و اقتصاد است. پژوهش بین‌رشته‌ای با ادغام منابع متنوع دانش، دیدگاه‌ها، و روش‌ها، پژوهشگران را قادر می‌سازد تا به پیشرفت‌هایی دست یابند که در چارچوب یک رشته واحد به‌سختی قابل دستیابی هستند.

برای مثال، در مسئله تولید پاک، یک پژوهشگر ممکن است از علوم محیطی برای درک اثرات زیست‌محیطی، از جامعه‌شناسی برای تحلیل رفتارهای اجتماعی مرتبط با پذیرش فناوری‌های سبز، و از مدیریت برای طراحی مدل‌های کسب‌وکار پایدار بهره‌برد. این ادغام نه تنها به خلق راه‌حل‌های جامع‌تر کمک می‌کند، بلکه امکان ارائه پاسخ‌های عملی و خلاقانه به چالش‌های چندوجهی را فراهم می‌سازد. به این ترتیب، پژوهش مسئله‌محور بین‌رشته‌ای می‌تواند به‌عنوان پلی بین نظریه و عمل عمل کند و راه‌حل‌هایی ارائه دهد که به‌طور هم‌زمان از منظر علمی معتبر و از منظر عملی قابل اجرا باشند. ادبیات گسترده‌ای درباره مزایا و هم‌افزایی‌های بالقوه پژوهش بین‌رشته‌ای وجود دارد. بر اساس انتخاب هدفمند مقالات اخیر، این مزایا در جدول زیر خلاصه شده‌اند:

جدول ۱. مزایای بالقوه پژوهش بین‌رشته‌ای

مزیت	مطالعات منتخب	خلاصه
تولید راه حل	Grantham (2004); Thorne & Persson (2013)	رشته‌ها، به‌ویژه از طریق روش‌های مشترک، می‌توانند برای تولید فرضیه‌ها و راه‌حل‌ها به یکدیگر وابسته باشند.
نوآوری و خلاقیت	Collin (2009); Jones (2010); Nisani (2019); Siedlok & Hibbert (2014)	ادعا می‌شود که پژوهش بین‌رشته‌ای به خلاقیت و نوآوری منجر می‌شود، هرچند هنوز مشخص نیست که این افزایش

خلافت مبتنی بر فرضیه‌های سیاستی است یا با شواهد واقعی پشتیبانی می‌شود.		
ترکیب بین رشته‌ای اغلب به‌عنوان نتیجه ایده‌آل پژوهش بین‌رشته‌ای توصیف می‌شود.	Vinkler et al. (2015)	ترکیب و یکپارچگی بین رشته‌ای
تیم‌های پژوهشی بین‌رشته‌ای می‌توانند با مسائل پیچیده اجتماعی که پژوهشگران تک‌رشته‌ای قادر به حل آن‌ها نیستند، مقابله کنند. این از افزایش تخصص‌گرایی و پیچیدگی مسائل ناشی می‌شود.	Collin (2009); Nisani (2019); Siedlok & Hibbert (2014)	رویکرد جامع به مسائل اجتماعی در مقیاس بزرگ
پژوهشگران ممکن است از تعاملات اجتماعی و کار تیمی لذت ببرند، برخلاف کار در انزوای نسبی، و از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار شوند.	Siedlok & Hibbert (2014)	روابط اجتماعی، شبکه‌سازی، و انعطاف‌پذیری

تعریف پژوهش بین‌رشته‌ای

پژوهش بین‌رشته‌ای همواره موضوعی قابل توجه برای ، بحث و مطالعه بوده و هست. پژوهشگران از حوزه‌ها و رشته‌های مختلف به درک چستی پژوهش بین‌رشته‌ای و چگونگی انجام آن علاقه‌مند هستند. به‌عنوان محور بحث، ابتدا باید بین‌رشته‌ای بودن را تعریف کنیم و آن را به‌صورت تحلیلی از رویکردهای چندرشته‌ای و فرارشته‌ای ، دو مفهوم نزدیک به آن، متمایز کنیم. بین‌رشته‌ای را می‌توان به‌عنوان فرآیندی برای پاسخ به یک پرسش، حل یک مشکل یا پرداختن به موضوعی در نظر گرفت که برای یک رشته یا حرفه به‌تنهایی بیش از حد گسترده یا پیچیده است . پژوهش بین‌رشته‌ای از دیدگاه‌های چندرشته استفاده می‌کند و بینش‌های آن‌ها را در یک دیدگاه جامع‌تر ادغام می‌نماید. (Boon & Van Baanen, 2019: 16) اجماع گسترده‌ای وجود دارد که عامل اصلی گرایش به تحقیق بین‌رشته‌ای ، پیچیدگی ذاتی مسئله یا پدیده مورد نظر است—چه این مسئله در حوزه علم باشد و چه یک مشکل عملی در جهان واقعی (Boon & Van Baanen, 2019; Cheng, Henisz, Roth & Swaminathan, 2009; Okhuysen & Bonardi, 2011).

پژوهش بین‌رشته‌ای در میانه یک پیوستار بین پژوهش چندرشته‌ای و فرارشته‌ای قرار دارد که سطح ادغام بین رشته‌های مبدأ و میزان تفاوت نتایج حاصل با رشته‌های اصلی را نشان می‌دهد. بنابر این **پژوهش بین‌رشته‌ای را می‌توان فرآیندی برای پاسخ به یک پرسش، حل یک مشکل یا پرداختن به موضوعی ، با استفاده از دیدگاه‌های چند رشته و ادغام بینش‌های آن‌ها در یک دیدگاه جامع‌تر که برای یک رشته به‌تنهایی بیش از حد گسترده یا پیچیده است، تعریف کرد.** در مقابل **چندرشته‌ای** «می‌تواند به‌عنوان دربرگرفتن دو یا چند رشته متفاوت تلقی شود که با استفاده از چارچوب‌ها و روش‌های خود برای حل یک مسئله پژوهشی همکاری می‌کنند . در اینجا هدف یکپارچه کردن دیدگاه‌ها نیست .» از سوی دیگر **فرارشته‌ای** تلاشی است برای انسجام، وحدت و ساده

سازی دانش و در آن مرزهای بین رشته‌ها برداشته می‌شوند تا یک دید جامع حاصل شود (Sieldok & Hibbert, 2014: 198).

رویکردی دیگر برای درک تمایز بین این سه نوع پژوهش، استفاده از اصطلاحات ادغام، پیوند و تمرکز است. در پژوهش بین‌رشته‌ای؛ کنار هم قرار دادن، ترتیب‌بندی و هماهنگی، در پژوهش چندرشته‌ای ادغام، پیوند، تمرکز؛ و در پژوهش فرارشته‌ای فراتر رفتن و تحول مد نظر است (Klein, 2010: 16). جدول زیر چارچوبی روشن برای درک این مفاهیم ارائه می‌دهد:

جدول ۲. تعاریف و اصطلاحات پژوهش‌های چندرشته‌ای، بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای

جنبه	چندرشته‌ای	بین‌رشته‌ای	فرارشته‌ای
تعریف	دربگیرنده دو یا چند رشته متفاوت است که با استفاده از چارچوب‌ها و روش‌های خود به یک مسئله پژوهشی نزدیک می‌شوند، در سطحی که نیازمند همکاری است تا یکپارچه شدن.	فرآیندی برای پاسخ به یک پرسش، حل یک مشکل یا پرداختن به موضوعی است که برای یک رشته به تنهایی بیش از حد گسترده یا پیچیده است، با استفاده از دیدگاه‌های رشته‌ای و ادغام بینش‌های آن‌ها در یک دیدگاه جامع‌تر. عامل اصلی: پیچیدگی ذاتی مسئله یا پدیده.	توسعه انسجام، وحدت و سادگی فزاینده دانش است که در آن مرزهای رشته‌ای بی‌ربط می‌شوند یا به‌طور اساسی بازشکل دهی می‌شوند.
سطح ادغام	پایین؛ همکاری بین رشته‌ها بدون ادغام عمیق.	متوسط؛ ادغام بینش‌ها از رشته‌های مختلف.	بالا؛ فراتر رفتن از مرزهای رشته‌ای و ایجاد دانش جدید.
اصطلاحات مرتبط	کنار هم قرار دادن، ترتیب‌بندی، هماهنگی	ادغام، پیوند، تمرکز	فراتر رفتن، تحول

چالش‌های رایج در تعاملات بین‌رشته‌ای

در بخش قبلی، به بررسی ظرفیت ارزش افزوده پژوهش بین‌رشته‌ای پرداختیم با این حال، در انجام پژوهش بین‌رشته‌ای چالش‌هایی دارد که اغلب توانایی محققان را برای ارائه بینش‌های نوآورانه و معنادار در پدیده‌های مدیریتی محدود می‌کند. پژوهش بین‌رشته‌ای به‌طور ذاتی چالش‌هایی را به همراه دارد. هر رشته معمولاً دارای مرزهای معرفتی (مرزهایی که دانش و روش‌های خاص آن رشته را تعریف می‌کنند) و مرزهای اجتماعی (هویت و فرهنگ یک جامعه فکری خاص) است. پژوهشگر بین‌رشته‌ای با عبور از این مرزها، با موانعی مانند تفاوت در زبان علمی، روش‌های تحقیق، یا حتی ارزش‌های بنیادین رشته‌ها مواجه می‌شود. علاوه بر این، پژوهش بین‌رشته‌ای اغلب نیازمند رویکرد آزمون‌وخطا، انعطاف‌پذیری، و سازگاری است، زیرا ترکیب روش‌ها و دیدگاه‌های مختلف ممکن است به نتایج غیرمنتظره منجر شود که نیازمند بازنگری و اصلاح مستمر است.

برای غلبه بر این چالش‌ها، پژوهشگران باید توانایی ایجاد زبان مشترک بین‌رشته‌ای، همکاری مؤثر با متخصصان رشته‌های دیگر، و پذیرش عدم قطعیت‌های ناشی از نوآوری را داشته باشند. همچنین، محیط‌های علمی و سازمانی باید از این نوع پژوهش حمایت کنند، از جمله از طریق فراهم کردن منابع، ایجاد فضاهای همکاری بین‌رشته‌ای،

و تشویق به ریسک‌پذیری علمی. در نهایت، پژوهش مسئله‌محور بین‌رشته‌ای با توانایی خود در ارائه راه‌حل‌های نوآورانه و جامع برای مسائل پیچیده اجتماعی، نقشی کلیدی در پیشبرد دانش و عمل مدیریتی ایفا می‌کند و به غنی‌سازی نظریه‌ها و بهبود تأثیرات اجتماعی کمک می‌کند. در ادامه، برجسته‌ترین این چالش‌ها را با هدف هدایت محققان به سمت طراحی و اجرای پژوهش بین‌رشته‌ای با کیفیت بالا مورد بحث قرار می‌دهیم.

چالش اول: فقدان انگیزه روشن

یکی از چالش‌های اصلی در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در حوزه مدیریت، نبود انگیزه‌ای روشن و قانع‌کننده برای بهره‌گیری از نظریه‌های سایر رشته‌ها در مطالعات مدیریت و سازمان است. این مشکل اغلب به دلیل توضیح ناکافی درباره محدودیت‌ها و ناتوانی‌های نظریه‌ها و چارچوب‌های موجود مدیریت در تبیین پدیده‌های مورد مطالعه ایجاد می‌شود. هنگامی که پژوهشگران به‌صراحت به کاستی‌های نظریه‌های مدیریتی موجود اشاره نکنند، استفاده از چارچوب‌های مفهومی از سایر رشته‌ها با تردیدهای جدی مواجه می‌شود. در چنین مواردی، مشخص نیست که چرا گنجاندن دیدگاه‌های رشته‌های دیگر برای ارائه بینش‌های نوآورانه یا درک پدیده‌های ناشناخته ضروری است. برای مثال، اگر پژوهشگری در مدیریت بخواهد از نظریه‌های اقتصادی برای تحلیل رفتار سازمانی استفاده کند، باید به‌وضوح توضیح دهد که این نظریه‌ها چه بینش‌های جدیدی ارائه می‌دهند که نظریه‌های مدیریت به‌تنهایی قادر به ارائه آن‌ها نیستند. گاهی ممکن است فهم کامل یک پدیده مدیریتی، بدون بهره‌گیری از دانش سایر رشته‌ها، مانند اقتصاد، به‌سادگی ممکن نباشد. (Siedlok & Hibbert, 2014).

علاوه بر این، پژوهش بین‌رشته‌ای باید به‌روشنی ارزش‌افزوده‌ای که از ادغام نظریه‌های سایر رشته‌ها به حوزه مدیریت وارد می‌شود را نشان دهد و مشخص کند که این ادغام چه پیشرفت‌هایی در نظریه‌پردازی یا حل مسائل مدیریتی ایجاد می‌کند. اگر این ارزش افزوده به‌خوبی تبیین نشود، پژوهش ممکن است پراکنده، بیش از حد پیچیده، یا حتی غیرضروری به نظر آید، که پذیرش آن را در جامعه علمی دشوار می‌کند. بنابراین، بیان شفاف و دقیق انگیزه برای استفاده از رویکردهای بین‌رشته‌ای، به‌منظور اطمینان از ارائه بینش‌های جدید و معنادار، امری حیاتی است. در پژوهش‌های مدیریت، تبیین ضرورت یک نظریه به‌خودی‌خود فرآیندی پیچیده و چالش‌برانگیز است، زیرا پژوهشگران باید نشان دهند که چارچوب‌های نظری موجود در تبیین، توضیح، یا پیش‌بینی پدیده‌ها ناکارآمد هستند. این چالش در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای دوچندان می‌شود، زیرا پژوهشگران نه‌تنها باید ناکارآمدی نظریه‌های مدیریت را اثبات کنند، بلکه باید نشان دهند که ادغام نظریه‌های سایر رشته‌ها این کاستی‌ها را برطرف می‌کند و به درک عمیق‌تر یا حل مؤثرتر مسائل منجر می‌شود. این «چالش مضاعف» کار ساده‌ای نیست و متقاعد کردن جامعه علمی مدیریت به ارزش و اعتبار این رویکردها می‌تواند بسیار دشوار باشد (Dencker et al., 2023).

چالش دوم: نبود زبان مشترک

یکی از موانع اصلی در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای، فقدان زبان و معنای مشترک بین رشته‌های مختلف است که می‌تواند چالش‌های قابل‌توجهی ایجاد کند (Carlile, 2004). هنگامی که پژوهشگران از مفاهیم، چارچوب‌ها، یا روش‌های رشته‌های دیگر استفاده می‌کنند، اغلب در انتقال دقیق و مؤثر ایده‌های خود به مخاطبان حوزه مدیریت

با مشکل مواجه می‌شوند. اصطلاحات تخصصی و فنی رشته‌های دیگر، مانند علوم داده، روان‌شناسی، یا مهندسی، ممکن است برای پژوهشگران و خوانندگان مدیریت که به زبان و اصطلاحات رایج این حوزه عادت دارند، ناآشنا، پیچیده، یا حتی گیج‌کننده باشد. این ناآشنایی می‌تواند به ایجاد شکاف زبانی بین رشته مبدأ (مانند علوم کامپیوتر یا علوم اعصاب) و رشته مقصد (مدیریت) منجر شود.

این گسست زبانی نه تنها درک مفاهیم پژوهش را دشوار می‌کند، بلکه می‌تواند مشارکت‌های پژوهش را مبهم سازد و ارزیابی اعتبار، اهمیت، یا ارتباط آن با حوزه مدیریت را برای جامعه علمی چالش برانگیز کند. برای مثال، اگر یک پژوهشگر مدیریت از مفاهیم علوم داده مانند «شبکه‌های عصبی» یا «تحلیل خوشه‌ای» برای تحلیل رفتار سازمانی استفاده کند، ممکن است خوانندگان مدیریت بدون توضیحات روشن و ساده‌سازی شده، نتوانند ارتباط این مفاهیم با مسائل مدیریتی را به درستی درک کنند. این موضوع می‌تواند به کاهش تأثیرگذاری پژوهش و پذیرش آن در جامعه علمی مدیریت منجر شود.

چالش سوم: نظریه پردازی ناکافی

پژوهش بین‌رشته‌ای به دلیل توانایی منحصربه‌فرد خود در حل مسائل پیچیده‌ای که فراتر از ظرفیت یک رشته واحد هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این حال، یکی از چالش‌های کلیدی در این نوع پژوهش، نظریه پردازی ناکافی است که می‌تواند به ارائه چارچوب‌های سطحی، ناپیوسته، یا حتی نادرست منجر شود. این مشکل زمانی رخ می‌دهد که پژوهشگران نتوانند نظریه‌های مختلف از رشته‌های متفاوت را به صورت منسجم و عمیق ادغام کنند. نظریه پردازی ناکافی پیامدهای جدی برای کیفیت و تأثیرگذاری پژوهش دارد، از جمله:

۱. کاهش کیفیت پژوهش: چارچوب‌های نظری ناپیوسته یا سطحی ممکن است نتوانند بینش‌های نوآورانه‌ای ارائه دهند یا به پیشبرد نظریه‌های مدیریت کمک کنند. این امر باعث می‌شود که پژوهش به جای غنی‌سازی دانش، صرفاً به تکرار یا ترکیب ناقص ایده‌ها محدود شود.

۲. محدودیت در تأثیرگذاری: پژوهش‌هایی که از نظریه پردازی ناکافی رنج می‌برند، اغلب نمی‌توانند به مسائل پیچیده اجتماعی پاسخ‌های مؤثر و جامعی ارائه دهند، که این موضوع از ارزش عملی و علمی پژوهش می‌کاهد. عوامل ایجاد نظریه پردازی ناکافی:

- عدم ادغام کامل نظریه: پژوهشگران ممکن است از نظریه‌های چندین رشته برای ارائه توضیحات یا بینش‌های جدید استفاده کنند، اما به دلیل عدم توانایی در تلفیق کامل این چارچوب‌ها، دانشی سطحی یا حتی نادرست ارائه دهند. برای مثال، استفاده از مفاهیم روان‌شناسی در تحلیل رفتار سازمانی بدون درک عمیق از پیش‌نیازهای نظری آن می‌تواند به نتایج گمراه‌کننده منجر شود.

- تفاوت در زبان و مفاهیم: تفاوت‌های زبانی و مفهومی بین رشته‌ها می‌تواند فرآیند ادغام نظری را دشوار کند. برای نمونه، اصطلاح «آزمایش» در علوم طبیعی ممکن است به معنای یک روش تجربی کنترل‌شده باشد، در حالی که در علوم اجتماعی ممکن است به تحلیل‌های کیفی اشاره داشته باشد. این تفاوت‌ها می‌تواند باعث ابهام یا سوء تفاهم در نظریه پردازی شود.

- محدودیت‌های زمانی و فضایی: پژوهش بین‌رشته‌ای به مطالعه گسترده‌تر و عمیق‌تری نیاز دارد که اغلب با محدودیت‌های زمانی (مانند ضرب‌الاجل‌های پروژه) یا فضایی (مانند محدودیت‌های انتشار مقالات) مواجه است. این محدودیت‌ها می‌توانند مانع از توسعه کامل چارچوب‌های نظری شوند.
- فقدان تخصص چندرشته‌ای: پژوهشگران ممکن است فاقد تخصص کافی در رشته‌های دیگر باشند، که این امر منجر به استفاده نادرست یا سطحی از نظریه‌های آن رشته‌ها می‌شود. برای مثال، یک پژوهشگر مدیریت که با مفاهیم علوم اعصاب آشنایی عمیقی ندارد، ممکن است نتواند این مفاهیم را به‌درستی در تحلیل‌های مدیریتی به کار ببرد.

چالش چهارم: ملاحظات عملی

پژوهش بین‌رشته‌ای، علاوه بر چالش‌های نظری و روش‌شناختی، با موانع عملی متعددی نیز مواجه است که می‌توانند فرآیند تحقیق را پیچیده‌تر کنند. این چالش‌ها اغلب به دلیل ماهیت پیچیده و چندوجهی این نوع پژوهش به وجود می‌آیند و نیازمند مدیریت دقیق منابع، زمان، و همکاری‌ها هستند. مهم‌ترین ملاحظات عملی عبارت‌اند از:

نیاز به زمان و هزینه قابل توجه: پژوهش بین‌رشته‌ای به دلیل ضرورت ادغام دیدگاه‌ها، روش‌ها، و چارچوب‌های نظری از رشته‌های مختلف، معمولاً زمان‌بر و پرهزینه است. برای مثال، یادگیری مفاهیم جدید از یک رشته دیگر، انجام مطالعات مقدماتی برای درک زمینه‌های مختلف، یا توسعه ابزارهای تحلیلی ترکیبی نیازمند سرمایه‌گذاری زمانی و مالی قابل توجهی است. این امر می‌تواند فشار زیادی بر پژوهشگران و مؤسسات حامی وارد کند، به‌ویژه زمانی که منابع محدود باشند.

نیاز به شیوه‌های ابتکاری در ادغام دیدگاه‌ها: ادغام مؤثر دانش و روش‌های رشته‌های مختلف نیازمند خلاقیت و نوآوری در طراحی پژوهش است. این فرآیند ممکن است شامل توسعه روش‌های جدید، بازتعریف مفاهیم یا ایجاد چارچوب‌های ترکیبی باشد که همگی زمان‌بر هستند و به مهارت‌های تخصصی نیاز دارند. این ابتکارات اغلب با آزمون‌وخطا همراه‌اند، که خود به زمان و منابع بیشتری نیاز دارد.

نیاز به صبر و مداومت: پژوهش بین‌رشته‌ای به دلیل پیچیدگی و عدم قطعیت‌های ذاتی‌اش، نیازمند صبر و پشتکار فراوان از سوی پژوهشگران و مدیران پروژه است. دستیابی به نتایج معنادار و قابل‌اعتماد ممکن است مدت‌زمان طولانی‌تری نسبت به پژوهش‌های تک‌رشته‌ای طول بکشد، زیرا پژوهشگران باید موانع زبانی، روش‌شناختی و نظری را پشت سر بگذارند. این موضوع می‌تواند به‌ویژه در محیط‌های آکادمیک یا سازمانی که تحت فشار برای ارائه نتایج سریع هستند، چالش‌برانگیز باشد.

توصیه‌هایی برای غلبه بر چالش‌های پژوهش بین‌رشته‌ای

پژوهش بین‌رشته‌ای در مدیریت با چالش‌هایی نظیر فقدان انگیزه روشن، نبود زبان مشترک، نظریه‌پردازی ناکافی، و ملاحظات عملی مواجه است. برای غلبه بر این موانع و تحقق پتانسیل این نوع پژوهش در خلق نظریه‌های نوآورانه و حل مسائل پیچیده، پژوهشگران می‌توانند از استراتژی‌های زیر بهره ببرند. این توصیه‌ها با تأکید بر دقت

نظری، مهارت‌های ارتباطی، همکاری چندرشته‌ای، و مدیریت مؤثر منابع، به ایجاد پژوهش‌های منسجم و تأثیرگذار کمک می‌کنند.

۱. بیان شفاف استدلال پژوهش (غلبه بر فقدان انگیزه روشن)

برای توجیه ضرورت استفاده از نظریه‌های سایر رشته‌ها، پژوهشگران باید استدلال‌های قوی و روشنی ارائه دهند که بر دو محور اصلی تمرکز دارند:

- شناسایی کاستی‌های نظریه‌های مدیریت: پژوهشگران باید به‌طور نظام‌مند محدودیت‌های چارچوب‌های موجود مدیریت را در تبیین، توضیح، یا پیش‌بینی پدیده‌های مورد مطالعه مستند کنند. برای مثال، اگر نظریه‌های مدیریت در تحلیل رفتارهای سازمانی در شرایط عدم اطمینان ناکافی باشند، این کاستی‌ها باید به‌صراحت بیان شوند.
- تبیین ارزش افزوده رویکرد بین‌رشته‌ای: پژوهشگران باید نشان دهند که نظریه‌های واردشده از رشته‌هایی مانند اقتصاد، روان‌شناسی، یا علوم داده چگونه بینش‌های جدیدی ارائه می‌دهند یا مسائل را به شیوه‌ای حل می‌کنند که نظریه‌های مدیریت به‌تنهایی قادر به آن نیستند (Denker, Gruber, Miller, Ross, & von Krogh, 2023).
- ارتباط با مسائل مدیریتی: ارزش افزوده رویکرد بین‌رشته‌ای باید با مثال‌های ملموس یا مطالعات موردی مرتبط با مدیریت نشان داده شود تا پذیرش آن در جامعه علمی تسهیل گردد.
- تعامل با جامعه علمی: ارائه پژوهش در کنفرانس‌ها یا کارگاه‌های بین‌رشته‌ای و دریافت بازخورد از متخصصان می‌تواند به تقویت استدلال‌ها و توجیه ضرورت رویکرد بین‌رشته‌ای کمک کند.

۲. ایجاد زبان مشترک (غلبه بر نبود زبان مشترک)

برای رفع شکاف زبانی بین رشته‌ها، پژوهشگران باید مفاهیم و اصطلاحات عاریت‌گرفته‌شده را به زبانی قابل فهم برای مخاطبان مدیریت ترجمه کنند:

- توضیح دقیق مفاهیم و اصطلاحات: منشأ و معنای اصطلاحات تخصصی رشته‌های دیگر (مانند «یادگیری ماشینی» از علوم داده) باید با دقت تعریف و در زمینه مسائل مدیریتی توضیح داده شود.
- ایجاد پل‌های مفهومی: استفاده از مثال‌ها، استعاره‌ها، یا مقایسه‌هایی که مفاهیم پیچیده را با مسائل مدیریتی مرتبط می‌کنند، می‌تواند درک آن‌ها را تسهیل کند.
- بیان مفروضات روش‌شناختی و فلسفی: پژوهشگران باید مفروضات، مزایا، و روش‌شناسی ابزارها یا نظریه‌های عاریت‌گرفته‌شده را به‌وضوح توضیح دهند تا اعتبار و دقت آن‌ها برای مخاطبان مدیریت روشن شود.
- همکاری با متخصصان: تعامل نزدیک با کارشناسان رشته‌های مرتبط می‌تواند به درک عمیق‌تر و انتقال صحیح مفاهیم کمک کند.
- توسعه چارچوب‌های مشترک: ایجاد مدل‌ها یا چارچوب‌های مفهومی (مانند نقشه‌های مفهومی یا مدل‌های سیستمی) می‌تواند به‌عنوان زبان مشترک بین رشته‌ها عمل کند و فهم‌پذیری پژوهش را افزایش دهد.

۳. نظریه‌پردازی عمیق و هم‌افزا (غلبه بر نظریه‌پردازی ناکافی)

برای ایجاد چارچوب‌های نظری قوی و اجتناب از نظریه‌پردازی سطحی، پژوهشگران باید فراتر از قرض‌گیری ساده نظریه‌ها حرکت کنند:

- ترکیب هم‌افزای نظریه‌ها: نظریه‌های رشته‌های مختلف باید به گونه‌ای ادغام شوند که چارچوب‌های جدید، منسجم و فراتر از مجموع اجزای آن‌ها باشند. معیار هم‌افزای (Siedlok & Hibbert, 2014) ایجاب می‌کند که نظریه‌ها و ابزارهای عاریت‌گرفته‌شده به اجزای اساسی نظریه‌های مدیریت تبدیل شوند و راه‌حل‌های نوینی ارائه دهند. برای مثال، ابزارهای یادگیری ماشینی می‌توانند الگوهای جدیدی در داده‌های سازمانی کشف کنند و پیش‌بینی‌های دقیق‌تری ارائه دهند (Shrestha, He, Puranam, & von Krogh, 2021).
- بهره‌گیری از دیدگاه‌های متضاد: ترکیب دیدگاه‌های متضاد (مانند رویکردهای جامعه‌شناختی و اقتصادی به رفتار شرکت‌ها) می‌تواند به توضیحات جامع‌تر و خلاقانه‌تر منجر شود و فرصت‌هایی برای توسعه نظریه‌های جدید فراهم کند.
- توسعه نظریه‌های نوین: به جای انتقال صرف نظریه‌ها، پژوهشگران باید با ترکیب خلاقانه دیدگاه‌ها، نظریه‌های جدیدی خلق کنند که به درک عمیق‌تر پدیده‌های مدیریتی کمک کنند.
- تقویت تخصص چندرشته‌ای: مطالعه عمیق یا همکاری با متخصصان رشته‌های دیگر می‌تواند به استفاده دقیق‌تر از نظریه‌ها کمک کند.
- بازنگری مستمر: بازنگری مداوم چارچوب‌های نظری برای جلوگیری از تکه‌تکه شدن یا سطحی بودن آن‌ها ضروری است.

۴. وفاداری نظری و مدیریت ملاحظات عملی

برای اطمینان از استفاده معتبر از نظریه‌ها و مدیریت محدودیت‌های عملی، پژوهشگران باید اقدامات زیر را انجام دهند:

- وفاداری نظری: پژوهشگران باید با منابع اصلی رشته‌های دیگر به طور عمیق درگیر شوند و از استفاده سطحی یا نادرست نظریه‌ها جلوگیری کنند. این امر مستلزم مطالعه دقیق ادبیات اصلی و احترام به تمامیت روش‌ها و نظریه‌های رشته‌های مبدأ است.
- مشاوره با متخصصان: همکاری با کارشناسان رشته‌های مرتبط می‌تواند به استفاده دقیق و معتبر از مفاهیم و روش‌ها کمک کند و اعتبار پژوهش را افزایش دهد.
- برنامه‌ریزی دقیق منابع: زمان و بودجه موردنیاز برای پژوهش بین‌رشته‌ای باید به دقت پیش‌بینی شود و منابع لازم از مؤسسات یا حامیان مالی تأمین گردد.
- حمایت نهادی: مؤسسات علمی باید زیرساخت‌هایی مانند بودجه، فضاهای همکاری بین‌رشته‌ای، و فرصت‌های آموزشی فراهم کنند تا پژوهشگران بتوانند زمان و منابع کافی برای توسعه پژوهش‌های عمیق اختصاص دهند.
- استفاده از فناوری: بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال مانند نرم‌افزارهای تحلیل داده یا پلتفرم‌های همکاری آنلاین می‌تواند کارایی پژوهش را افزایش دهد و محدودیت‌های زمانی و فضایی را کاهش دهد.
- انعطاف‌پذیری در برابر عدم قطعیت: پذیرش رویکرد آزمون‌وخطا و انطباق‌پذیری برای مدیریت پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌های پژوهش بین‌رشته‌ای ضروری است.

اجرای این استراتژی‌ها به پژوهشگران امکان می‌دهد تا با هماهنگی بهتر چارچوب‌های نظری و روش‌شناختی، پژوهش‌های بین‌رشته‌ای منسجم‌تر و تأثیرگذارتری تولید کنند. این تلاش‌ها نه تنها کیفیت پژوهش را ارتقا می‌دهند، بلکه همکاری و نوآوری بین‌رشته‌ای را در حوزه مدیریت تقویت می‌کنند. با بیان شفاف استدلال‌های پژوهش، ایجاد زبان مشترک، نظریه‌پردازی عمیق، و مدیریت دقیق ملاحظات عملی، پژوهشگران می‌توانند پتانسیل کامل پژوهش بین‌رشته‌ای را برای خلق دانش نوآورانه و حل مسائل پیچیده مدیریتی و اجتماعی محقق کنند. ایجاد محیط‌های علمی و نهادی حامی نیز نقش کلیدی در موفقیت این نوع پژوهش ایفا می‌کند.

نکات پایانی

پژوهش بین‌رشته‌ای در مدیریت از پتانسیل بی‌نظیری برای تعمیق درک ما از پدیده‌های پیچیده مدیریتی، پرورش نوآوری‌های نظری و روش‌شناختی، و ارائه راه‌حل‌های تحول‌آفرین برای چالش‌های اجتماعی برخوردار است. با این حال، همان‌طور که در این مقاله بررسی شد، این نوع پژوهش با چالش‌هایی نظیر فقدان انگیزه روشن، نبود زبان مشترک، نظریه‌پردازی ناکافی، و ملاحظات عملی مواجه است. غلبه هوشمندانه بر این موانع، پژوهشگران را قادر می‌سازد تا آثاری تولید کنند که نه تنها نظریه‌های مدیریت را گسترش می‌دهند، بلکه این رشته را در موقعیتی قرار می‌دهند تا در برابر تحولات سریع فناوری، اجتماعی، و سازمانی، نقشی مؤثر و پیشرو ایفا کند.

پژوهش بین‌رشته‌ای با به چالش کشیدن مرزهای سنتی رشته‌ها، راه‌های نوینی برای فهم و حل مسائل پیچیده‌ای ارائه می‌دهد که یک رشته به تنهایی قادر به تبیین آن‌ها نیست. تحقق این پتانسیل به توانایی پژوهشگران در ادغام خلاقانه و منسجم دیدگاه‌ها، روش‌ها، و دانش از رشته‌های مختلف و همچنین به تعهد جامعه علمی به حمایت از این نوع پژوهش‌ها بستگی دارد. این امر نیازمند ایجاد محیط‌های علمی است که از همکاری‌های تحول‌آفرین حمایت کنند، عمق و دقت نظری را با گشاده‌رویی به ایده‌های نوآورانه متعادل سازند، و از ارزیابی منصفانه مشارکت‌های بین‌رشته‌ای استقبال کنند. مجلات علمی نیز باید توانایی درک و ارزیابی نظریه‌ها و روش‌های چندرشته‌ای را داشته باشند و آماده عبور از مرزهای سنتی رشته‌ای باشند.

اهمیت پژوهش بین‌رشته‌ای در مدیریت به دلایل زیر برجسته است:

۱. پیچیدگی مسائل اجتماعی: مسائلی مانند تغییرات اقلیمی، نابرابری اجتماعی، تحول دیجیتال، و سلامت عمومی چندوجهی هستند و نمی‌توان آن‌ها را صرفاً از منظر مدیریت حل کرد. این رشته با بهره‌گیری از دانش اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم محیطی، و فناوری می‌تواند راه‌حل‌های جامع و مؤثری ارائه دهد.
۲. نوآوری در راه‌حل‌ها: پژوهش بین‌رشته‌ای امکان خلق رویکردهای نوآورانه را فراهم می‌کند. برای مثال، ترکیب مدیریت استراتژیک با علوم داده می‌تواند تحلیل دقیق‌تری از رفتار مصرف‌کننده یا پیش‌بینی روندهای بازار ارائه دهد، در حالی که تلفیق با روان‌شناسی می‌تواند درک عمیق‌تری از رفتار سازمانی ایجاد کند.
۳. تقویت تصمیم‌گیری چندجانبه: مسائل پیچیده نیازمند تصمیم‌گیری‌هایی هستند که ابعاد مختلف را در نظر بگیرند. پژوهش بین‌رشته‌ای با ارائه ابزارها و دیدگاه‌های متنوع، به مدیران کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه‌تر، پایدارتر، و مؤثرتری اتخاذ کنند.

۴. پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان: مدیریت مدرن باید به انتظارات متنوع ذی‌نفعان (مشتریان، کارکنان، دولت، و جامعه) پاسخ دهد. پژوهش بین‌رشته‌ای با در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی، اقتصادی، و زیست‌محیطی، به طراحی استراتژی‌ها و سیاست‌های فراگیر و مسئولانه کمک می‌کند.

۵. حمایت از توسعه پایدار: مسائل جهانی مانند پایداری و عدالت اجتماعی نیازمند راه‌حل‌هایی هستند که فراتر از چارچوب‌های سنتی مدیریت باشند. پژوهش بین‌رشته‌ای با ادغام دانش از علوم محیطی، سیاست‌گذاری عمومی، و اخلاق، به تحقق اهداف توسعه پایدار (SDGs) کمک می‌کند.

در پایان، پژوهش بین‌رشته‌ای در مدیریت، با توانایی خود در ادغام دانش و روش‌های متنوع، نه تنها به غنی‌سازی نظریه‌های مدیریتی کمک می‌کند، بلکه به حل مسائل اجتماعی پیچیده و تقویت نقش مدیریت در دنیای در حال تحول امروزی یاری می‌رساند. برای تحقق این پتانسیل، پژوهشگران، مؤسسات علمی، و مجلات باید با حمایت از همکاری‌های بین‌رشته‌ای، پذیرش نوآوری، و ارزیابی دقیق و منصفانه، محیطی پویا و پیشرو ایجاد کنند. در جهانی که چالش‌ها به ندرت در چارچوب یک رشته محدود می‌مانند، پژوهش بین‌رشته‌ای کلید تولید دانش تحول‌آفرین و تأثیرگذاری پایدار است.

چارچوبی برای اجرای تحقیقات میان‌رشته‌ای در مدیریت

تحقیقات بین‌رشته‌ای در مدیریت با تمرکز بر مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی می‌توانند راه‌حل‌های نوآورانه و جامعی ارائه دهند. موفقیت این پژوهش‌ها به همکاری‌های چندرشته‌ای، حمایت نهادی، و تعهد به نوآوری و دقت نظری بستگی دارد. با اجرای این پیشنهادات، پژوهشگران می‌توانند دانش مدیریت را غنی‌تر کرده و به حل چالش‌های جهانی کمک کنند. تحقیقات بین‌رشته‌ای در مدیریت، با توانایی ادغام دانش و روش‌های متنوع از رشته‌های مختلف، می‌تواند به حل مسائل پیچیده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی کمک کند. این مسائل، مانند تغییرات اقلیمی، نابرابری اجتماعی، تحول دیجیتال، و تنش‌های سیاسی-اقتصادی، چندوجهی هستند و نیازمند رویکردهایی فراتر از چارچوب‌های سنتی مدیریت‌اند. در ادامه، پیشنهادات کلیدی برای انجام تحقیقات بین‌رشته‌ای مؤثر در مدیریت ارائه شده است که به خلق دانش نوآورانه و راه‌حل‌های عملی منجر می‌شود.

۱. تمرکز بر مسائل پیچیده و چندوجهی

پژوهشگران باید مسائلی را هدف قرار دهند که به دلیل پیچیدگی، نیازمند ادغام دانش از چندین رشته هستند. برای مثال:

- **تغییرات اقلیمی و پایداری:** بررسی استراتژی‌های سازمانی برای دستیابی به کربن صفر نیازمند دانش علوم محیطی برای ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، اقتصاد برای تحلیل هزینه‌ها و منافع، و سیاست‌گذاری عمومی برای درک مقررات است.
- **نابرابری اجتماعی:** طراحی سیاست‌های سازمانی برای کاهش نابرابری در محیط کار می‌تواند از دانش جامعه‌شناسی (برای تحلیل ساختارهای اجتماعی) و اقتصاد (برای بررسی انگیزه‌های مالی) بهره‌برد.

- **تحول دیجیتال:** تحلیل تأثیر دیجیتال‌سازی بر مدل‌های کسب‌وکار نیازمند ترکیب علوم داده و مدیریت فناوری اطلاعات است.

- **تنش‌های سیاسی-اقتصادی:** بررسی تأثیر بی‌ثباتی‌های ژئوپلیتیک بر تصمیم‌گیری‌های استراتژیک سازمان‌ها از علوم سیاسی و اقتصاد سود می‌برد.

پژوهشگران باید به‌وضوح توضیح دهند که چرا این مسائل نمی‌توانند تنها با نظریه‌های مدیریت حل شوند و چگونه ادغام دانش از رشته‌های دیگر به ارائه راه‌حل‌های جامع‌تر کمک می‌کند.

۲. تشکیل تیم‌های چندرشته‌ای و تقویت همکاری

تشکیل تیم‌های تحقیقاتی با حضور متخصصان از رشته‌های مرتبط، مانند اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، دانشمندان محیط‌زیست، یا متخصصان علوم سیاسی، دیدگاه‌های متنوعی را به پژوهش اضافه می‌کند. این همکاری‌ها می‌توانند از طریق:

- **پروژه‌های مشترک:** ایجاد پروژه‌های تحقیقاتی بین‌سازمانی که متخصصان رشته‌های مختلف را گرد هم می‌آورد.

- **کارگاه‌های بین‌رشته‌ای:** برگزاری جلسات برای تبادل دانش و ایده‌ها.

- **شبکه‌سازی:** شرکت در کنفرانس‌های بین‌رشته‌ای برای ایجاد ارتباطات با پژوهشگران سایر حوزه‌ها.

تقویت تخصص چندرشته‌ای از طریق مطالعه مستقل، دوره‌های آموزشی، یا مشاوره با متخصصان نیز ضروری است.

۳. ایجاد زبان و چارچوب مشترک

برای رفع شکاف‌های زبانی بین رشته‌ها:

- **ترجمه مفاهیم تخصصی:** اصطلاحات رشته‌های دیگر، مانند «ریسک سیستماتیک» در اقتصاد یا «تاب‌آوری اکوسیستم» در علوم محیطی، باید به زبانی ساده و مرتبط با مدیریت توضیح داده شوند.

- **توسعه چارچوب‌های مفهومی مشترک:** ایجاد مدل‌های مفهومی یا نقشه‌های شناختی که مفاهیم رشته‌های مختلف را با مسائل مدیریتی پیوند می‌دهند. برای مثال، یک چارچوب برای تحلیل تأثیر نابرابری اجتماعی بر عملکرد سازمانی می‌تواند از مفاهیم جامعه‌شناسی و مدیریت استراتژیک استفاده کند.

- **بیان مفروضات روش‌شناختی:** توضیح مزایا و مفروضات فلسفی روش‌ها و نظریه‌های عاریت‌گرفته‌شده برای افزایش اعتبار و فهم‌پذیری.

۴. بهره‌گیری از روش‌های نوین و ترکیبی

روش‌های پیشرفته و ترکیبی می‌توانند تحلیل مسائل پیچیده را بهبود بخشند:

- **فناوری‌های پیشرفته:** استفاده از یادگیری ماشینی یا تحلیل کلان‌داده‌ها برای پیش‌بینی روندهای بازار یا ارزیابی پایداری زنجیره‌های تأمین.

- **روش‌های ترکیبی:** ترکیب تحلیل‌های کیفی (مانند مصاحبه‌ها) و کمی (مانند مدل‌سازی معادلات ساختاری) برای درک روابط پیچیده بین متغیرهای سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی.
- **تحلیل تطبیقی کیفی (QCA):** این روش برای بررسی پیکربندی‌های مختلف عوامل مؤثر بر پدیده‌های مدیریتی مناسب است.

۵. نظریه‌پردازی هم‌افزا

- پژوهشگران باید نظریه‌های رشته‌های مختلف را به‌صورت خلاقانه و هم‌افزا ترکیب کنند:
- **ادغام خلاقانه:** برای مثال، استفاده از نظریه‌های روان‌شناسی شناختی برای تحلیل تصمیم‌گیری مدیران در شرایط بحران‌های سیاسی یا نظریه‌های اقتصاد رفتاری برای بهبود سیاست‌های انگیزشی.
- **بهره‌گیری از دیدگاه‌های متضاد:** ترکیب رویکردهای متضاد (مانند دیدگاه‌های اقتصادی و زیست‌محیطی به پایداری) برای ایجاد توضیحات جامع‌تر.
- **توسعه نظریه‌های جدید:** به‌جای انتقال صرف نظریه‌ها، چارچوب‌های جدیدی خلق کنید که به درک عمیق‌تر پدیده‌های مدیریتی کمک کنند.

۶. مدیریت ملاحظات عملی و نهادی

- پژوهش بین‌رشته‌ای زمان‌بر و پرهزینه است. برای مدیریت این چالش‌ها:
- **برنامه‌ریزی دقیق منابع:** تأمین بودجه و زمان کافی از طریق درخواست حمایت مالی از مؤسسات.
- **حمایت نهادی:** ایجاد فضاهای همکاری بین‌رشته‌ای، مانند مراکز تحقیقاتی مشترک، و توسعه معیارهای ارزیابی منعطف برای مقالات بین‌رشته‌ای.
- **استفاده از فناوری:** بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال مانند نرم‌افزارهای تحلیل داده یا پلتفرم‌های همکاری آنلاین برای افزایش کارایی.

۷. تمرکز بر مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی

پژوهش‌ها باید به مسائل کلیدی پاسخ دهند:

- **پایداری:** ترکیب مدیریت استراتژیک، علوم محیطی، و سیاست‌گذاری عمومی برای طراحی استراتژی‌های کربن صفر.
- **نابرابری اجتماعی:** ادغام دانش جامعه‌شناسی و اقتصاد برای سیاست‌های کاهش نابرابری در محیط کار.
- **تحول دیجیتال:** استفاده از علوم داده برای تحلیل تأثیرات دیجیتال‌سازی بر مدل‌های کسب‌وکار.
- **تنش‌های سیاسی-اقتصادی:** بهره‌گیری از علوم سیاسی برای بررسی تأثیر بی‌ثباتی‌های ژئوپلیتیک بر سازمان‌ها.

۸. تعهد به وفاداری نظری

- استفاده دقیق از منابع: مطالعه عمیق ادبیات اصلی رشته‌های دیگر برای جلوگیری از استفاده نادرست نظریه‌ها.
- مشاوره با متخصصان: همکاری با کارشناسان رشته‌های مرتبط برای اطمینان از استفاده معتبر مفاهیم.
- ۹. تقویت فرهنگ همکاری و یادگیری
 - ایجاد فرهنگ باز: تشویق به یادگیری مستمر و پذیرش ایده‌های نوآورانه در مؤسسات تحقیقاتی.
 - انعطاف‌پذیری: پذیرش رویکرد آزمون‌وخطا برای مدیریت پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌ها.
- ۱۰. تمرکز بر تأثیرگذاری عملی
 - تعامل با ذی‌نفعان: همکاری با صنعت، سیاست‌گذاران، و سازمان‌های غیردولتی برای اطمینان از کاربردی بودن نتایج.
 - انتشار در مجلات مناسب: انتخاب مجلات بین‌رشته‌ای یا تخصصی که از پژوهش‌های چندرشته‌ای استقبال می‌کنند

جدول ۳. خلاصه فرایند تحقیقات میان‌رشته‌ای در مدیریت

پیشنهاد	توضیح	مثال مرتبط
تمرکز بر مسائل چندوجهی	هدف‌گیری مسائلی که نیازمند دیدگاه‌های چندرشته‌ای هستند	تحلیل پایداری با علوم محیطی و اقتصاد
تشکیل تیم‌های چندرشته‌ای	همکاری با متخصصان رشته‌های مرتبط	تیم شامل اقتصاددانان و جامعه‌شناسان
ایجاد زبان مشترک	ترجمه مفاهیم به زبان مدیریت	تعریف «تاب‌آوری اکوسیستم» به عنوان "پایداری سازمانی"
روش‌های نوین	استفاده از فناوری‌های پیشرفته و روش‌های ترکیبی	یادگیری ماشینی برای پیش‌بینی بازار
نظریه پردازی هم‌افزا	ترکیب خلاقانه نظریه‌ها	روان‌شناسی شناختی برای تصمیم‌گیری در بحران
مدیریت منابع	برنامه‌ریزی دقیق و حمایت نهادی	تأمین بودجه برای پروژه‌های بین‌رشته‌ای
وفاداری نظری	استفاده دقیق از منابع رشته‌های دیگر	مشاوره با کارشناسان علوم سیاسی
تعامل با ذی‌نفعان	همکاری با صنعت و سیاست‌گذاران	طراحی سیاست‌های پایداری با سازمان‌های غیردولتی

منابع

- Baldwin, R. G., & Austin, A. E. (1995). Toward greater understanding of faculty research collaboration. *The Review of Higher Education*, 19(1), 45–70. <https://doi.org/10.1353/rhe.1995.0002>
- Bennett, L. M., & Gadlin, H. (2012). Collaboration and team science: From theory to practice. *Journal of Investigative Medicine*, 60(5), 768–775. <https://doi.org/10.2310/JIM.0b013e318250871d>
- Bliese, P., Certo, S. T., Smith, A., Wang, M., & Gruber, M. (2024). Strengthening theory–methods–data links. *Academy of Management Journal*, 67(4), 893–900. <https://doi.org/10.5465/amj.2024.0004>

- Boon, M., & Van Baalen, S. (2019). Epistemology for interdisciplinary research: Shifting philosophical paradigms of science. *European Journal for Philosophy of Science*, 9(1), Article 16. <https://doi.org/10.1007/s13194-018-0203-x>
- Carlile, P. R. (2004). Transferring, translating, and transforming: An integrative framework for managing knowledge across boundaries. *Organization Science*, 15(5), 555–568. <https://doi.org/10.1287/orsc.15.5.555.10002>
- Cheng, J. L. C., Henisz, W. J., Roth, K., & Swaminathan, A. (2009). From the editors: Advancing interdisciplinary research in the field of international business: Prospects, issues and challenges. *Journal of International Business Studies*, 40(6), 1070–1074. <https://doi.org/10.1057/jibs.2009.1070>
- Collin, A. (2009). Multidisciplinary, interdisciplinary, and transdisciplinary collaboration: Implications for vocational psychology. *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 9(2), 101–110. <https://doi.org/10.1007/s10775-009-9155-2>
- Dencker, J., Gruber, M., Miller, T., Rouse, E., & von Krogh, G. (2023). Positioning research on novel phenomena: The winding road from periphery to core. *Academy of Management Journal*, 66(5), 1295–1302. <https://doi.org/10.5465/amj.2023.0005>
- Grantham, T. A. (2004). Conceptualizing the (dis)unity of science. *Philosophy of Science*, 71(2), 133–155. <https://doi.org/10.1086/383008>
- Gruber, M., Harhoff, D., & Hoisl, K. (2013). Knowledge recombination across technological boundaries: Scientists vs. engineers. *Management Science*, 59(4), 837–851. <https://doi.org/10.1287/mnsc.1120.1572>
- Hargadon, A. B. (1998). Firms as knowledge brokers: Lessons in pursuing continuous innovation. *California Management Review*, 40(3), 209–227. <https://doi.org/10.2307/41165951>
- Hassan-Montero, Y., Guerrero-Bote, V. P., & De-Moya-Anegón, F. (2014). Graphical interface of the SCImago Journal and Country Rank: An interactive approach to accessing bibliometric information. *El Profesional de la Información*, 23(3), 272–278. <https://doi.org/10.3145/epi.2014.may.07>
- Hunter, L., & Leahey, E. (2017). Collaboration and the complexity of scientific progress. *Social Studies of Science*, 47(3), 433–457. <https://doi.org/10.1177/0306312717717110>
- Jones, C. (2010). Interdisciplinary approach: Advantages, disadvantages, and the future benefits of interdisciplinary studies. *Essai*, 7(1), Article 26. <http://dc.cod.edu/essai/vol7/iss1/26>
- Katsouyanni, K. (2008). Collaborative research: Accomplishments & potential. *Environmental Health: A Global Access Science Source*, 7(1), Article 3. <https://doi.org/10.1186/1476-069X-7-3>
- Klein, J. T. (1990). *Interdisciplinarity: History, theory, and practice*. Wayne State University Press.
- Klein, J. T. (2010). A taxonomy of interdisciplinarity. In R. Frodeman, J. T. Klein, & C. Mitcham (Eds.), *The Oxford handbook of interdisciplinarity* (pp. 15–30). Oxford University Press.
- Makarova, E. A., Makarova, E. L., & Korsakova, T. V. (2019). The role of globalization and integration in interdisciplinary research, culture and education development. *Journal of History Culture and Art Research*, 8(1), 111–121. <https://doi.org/10.7596/taksad.v8i1.1957>
- Nisani, M. (2019). Ten cheers for interdisciplinarity: The case for interdisciplinary knowledge and research. *The Social Science Journal*, 34(2), 201–216. [https://doi.org/10.1016/S0362-3319\(97\)90051-3](https://doi.org/10.1016/S0362-3319(97)90051-3)
- Okhuysen, G. A., & Bonardi, J.-P. (2011). The challenges of building theory by combining lenses. *Academy of Management Review*, 36(1), 6–11. <https://doi.org/10.5465/amr.2011.55662498>
- Ravasi, D., Zhu, J., Wan, W., Dorobantu, S., & Gruber, M. (2024). What makes research collaborations successful? Advice from AMJ authors. *Academy of Management Journal*, 67(3), 583–594. <https://doi.org/10.5465/amj.2024.0003>

- Rosenblat, T. S., & Mobius, M. M. (2004). Getting closer or drifting apart? *The Quarterly Journal of Economics*, 119(3), 971–1009. <https://doi.org/10.1162/0033553041502199>
- Rosvall, M., & Bergstrom, C. T. (2008). Maps of random walks on complex networks reveal community structure. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 105(4), 1118–1123. <https://doi.org/10.1073/pnas.0706851105>
- Shaw, J. D., Bansal, P., & Gruber, M. (2017). New ways of seeing: Elaboration on a theme. *Academy of Management Journal*, 60(2), 397–401. <https://doi.org/10.5465/amj.2017.4002>
- Shaw, J. D., Tangirala, S., Vissa, B., & Rodell, J. B. (2018). New ways of seeing: Theory integration across disciplines. *Academy of Management Journal*, 61(1), 1–4. <https://doi.org/10.5465/amj.2018.4001>
- Shrestha, Y. R., He, V. F., Puranam, P., & von Krogh, G. (2021). Algorithm supported induction for building theory: How can we use prediction models to theorize? *Organization Science*, 32(3), 856–880. <https://doi.org/10.1287/orsc.2020.1382>
- Siedlok, F., & Hibbert, P. (2014). The organization of interdisciplinary research: Modes, drivers and barriers. *International Journal of Management Reviews*, 16(2), 194–210. <https://doi.org/10.1111/ijmr.12016>
- Sonnenwald, D. H. (2007). Scientific collaboration. *Annual Review of Information Science and Technology*, 41(1), 643–681. <https://doi.org/10.1002/aris.2007.1440410121>
- Thorne, H., & Persson, J. (2013). The philosophy of interdisciplinarity: Sustainability science and problem-feeding. *Journal for General Philosophy of Science*, 44(2), 337–355. <https://doi.org/10.1007/s10838-013-9233-5>
- Van Baalen, P., & Karsten, L. (2012). The evolution of management as an interdisciplinary field. *Journal of Management History*, 18(2), 219–237. <https://doi.org/10.1108/17511341211206865>
- Vinkler, P., Kretsopoulou, I., & Churchouse, T. (2015). UKERC interdisciplinary review: Research report. UK Energy Research Centre.
- von Krogh, G., Roberson, Q., & Gruber, M. (2023). Recognizing and utilizing novel research opportunities with artificial intelligence. *Academy of Management Journal*, 66(2), 367–373. <https://doi.org/10.5465/amj.2023.4002>